

بررسی نقش صنایع کوچک و متوسط مستقر در شهرک ها و نواحی صنعتی استان چهارمحال و بختیاری بر اشتغال

محمد حیدری چالشتی^۱، بهنام رمضان زاده^۲، پروین پورفخریان^۳

^۱ حسابرس، دیوان محاسبات استان چهارمحال و بختیاری - کارشناس ارشد حسابداری

^۲ سر حسابرس ارشد، دیوان محاسبات استان چهارمحال و بختیاری - کارشناس ارشد حسابداری

^۳ حسابرس، دیوان محاسبات استان چهارمحال و بختیاری - کارشناس ارشد حسابداری (نویسنده مسئول)

ppourfakhrian@yahoo.com

چکیده

در این پژوهش به دلیل اهمیت صنایع کوچک و متوسط بر میزان اشتغال و در نتیجه توسعه اقتصادی، ارتباط بین میزان فعالیت صنایع کوچک و متوسط با سطح اشتغال در استان چهارمحال و بختیاری مورد بررسی قرار گرفته است؛ بدین منظور با استفاده از تحقیقات کتابخانه‌ای و میدانی به جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ظرفیت اسمی و واقعی اشتغال و همچنین میزان فعالیت واحدهای صنعتی کوچک و متوسط موجود در نواحی و شهرک‌های صنعتی استان پرداختیم. نتایج این پژوهش مؤید اهمیت این صنایع در افزایش سطح اشتغال و کاهش نرخ بیکاری در استان چهارمحال و بختیاری که دارای بالاترین نرخ بیکاری در کشور است، می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: صنایع کوچک و متوسط، اشتغال، شهرک‌های صنعتی

۱- مقدمه

صنعت یکی از مهمترین عناصر و عوامل رشد و توسعه اقتصادی است. رشد و توسعه بخش صنعت، زمینه و امکان رشد و توسعه سایر بخش ها از جمله کشاورزی، بهداشت و درمان، حمل و نقل و انرژی را فراهم می کند. بنابراین بخش صنعت در تحولات اقتصادی کشور نقش کلیدی ایفا می کند و به واسطه اهمیتی که در ایجاد تقاضا و تأمین مواد اولیه، کالاهای واسطه ای و سرمایه ای با منشأ صنعتی برای بخش های مختلف اقتصاد دارد، می تواند به نقش کلیدی خودکفا عمل کند.

از طرفی، نگاهی به فعالیت صنایع کوچک و متوسط در کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه، بیانگر نوعی ارتباط تنگاتنگ و مؤثر میان پیشرفت اقتصادی- اجتماعی این کشورها با این بنگاه ها است. اگرچه تا چند دهه پیش ایجاد و فعال بودن صنایع بزرگ نشان از اقتصاد پویاتر و قدرتمندتر بود و بر پایه این تفکر بنگاه های غول پیکر پدیدار شدند، اما تحولات اخیر از جمله فشارهای جمعیتی، نوآوری های لحظه به لحظه، پیچیده تر شدن فرآیندهای مدیریتی و تصمیم گیری، نیاز به تصمیم گیری های آنی و ضروری و تجارب حاصل از فعالیت بنگاه های کوچک و متوسط اهمیت این بنگاه ها را روشن ساخته است. از مهمترین اثرات وجود مؤسسات کوچک و متوسط در تمامی کشورها، کمک به رشد اشتغال و کاهش نرخ بیکاری می باشد، بالأخص در کشورهای کمتر توسعه یافته و یا در حال توسعه که رشد بی رویه جمعیت، نقصان تشکیل سرمایه انسانی و عدم کارآیی مکانیزم بازار در ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضای کار، از ویژگی های ساختار اقتصادی آنها بوده و باعث شده است که علی رغم انبوه امکانات بالقوه اقتصادی، اشتغال به معضلی لاینحل و بحران را تبدیل شود.

در پژوهش حاضر، جهت بررسی ارتباط این واحدهای صنعتی بر اشتغال ابتدا مبانی نظری پژوهش شامل تعریف و اهمیت صنایع کوچک و متوسط و سابقه تاریخی این صنایع در ایران و استان چهارمحال و بختیاری و همچنین میزان اعتبارات مصرف شده جهت ایجاد این واحدها تشریح گردیده و در ادامه به بررسی میزان اشتغال و وضعیت صنایع فعال و غیرفعال مستقر در شهرک های صنعتی استان چهارمحال و بختیاری و موانع سرمایه گذاری و علل غیرفعال شدن برخی از این صنایع پرداخته و در پایان ضمن بیان نتیجه گیری، پیشنهاداتی برای توسعه صنایع کوچک و متوسط ذکر گردیده است.

۲- مبانی نظری:

یکی از ریشه دارترین مؤلفه های توسعه اقتصادی هر کشور، توسعه صنعتی است. توسعه صنعتی از ارکان اقتدار، زیباترین جلوه توانمندی و پشتوانه امنیت ملی یک کشور است. توسعه صنعتی در یک کشور عمده ترین شاخص شکوفایی علمی انسان در آن جامعه است.

برخی از دانشمندان توسعه، دو ویژگی برای نقش صنعت در توسعه، به ویژه در مراحل اولیه آن برشمرده اند: ۱. سهم صنعت در درآمدزایی برای کل اقتصاد در طول زمان (در فرآیند توسعه) افزایش می یابد. ۲. سهم نیروی کار بخش صنعت نیز در طول فرآیند توسعه روندی صعودی دارد. ترکیب این دو ویژگی در طول فرآیند توسعه موجب افزایش درآمد سرانه خواهد شد. (کالدور، ۱۹۶۶ و دیتا، ۱۹۵۲).

از دهه ۱۹۷۰ به بعد، اکثر اقتصاددانان توسعه برای رفع مشکل بحران بیکاری در جهان سوم، پیوسته بر گرایش به صنایع کوچک به عنوان عاملی اشتغال زا تأکید کرده اند. یونیدو در گزارش سالانه خود در سال ۱۹۹۷، ضمن اعلام تجربه شکست صنایع بزرگ در ایجاد اشتغال، توصیه می کند که برای حل معضل بیکاری در کشورهای در حال توسعه، از رشد صنایع کوچک و متوسط حمایت مالی به عمل آید. دلایل عمده این محققین را می توان به طور خلاصه ذیل عنوان نمود:

الف) تأسیس و توسعه صنایع کوچک و متوسط به منابع اندکی نیاز دارد: یکی از مشکلات کشورهای در حال توسعه، محدودیت منابع سرمایه گذاری است. صنایع کوچک به دلایل کاربر بودن فعالیت های تولیدی آنها، با منابع محدود قادر به شکل گیری و گسترش می باشند.

ب) صنایع کوچک و متوسط از درجه اشتغال زایی بالایی برخوردار است: به دلیل کاربری بودن فعالیت های تولیدی و استفاده از روش های سنتی در این کسب و کارها، انتظار آن است که با توسعه آنها بتوان با استفاده از منابع محدود تعداد قابل توجهی از مشاغل را ایجاد نمود. بالا بودن درجه اشتغال زایی کسب و کارهای کوچک و متوسط به این معنی نیست که یک واحد از این دسته از کسب و کارها قادر به استخدام و پذیرش تعداد زیادی از نیروی کار باشد؛ بلکه با توسعه و گسترش تعداد کسب و کارها می توان مشاغل بیشتری ایجاد نمود.

ج) صنایع کوچک و متوسط اغلب متکی بر منابع داخلی هستند: در شرایطی که به لحاظ سیاسی یا به لحاظ اقتصادی امکان استفاده از منابع خارجی وجود نداشته باشد، اتکا به منابع داخلی امتیاز بزرگی به شمار می رود. کسب و کارهای کوچک به دلیل ماهیت فعالیت های خود به گونه ای عمل می کنند که عمدتاً به سرمایه مجریان یا به اعتبارات دریافتی اندک از بانک ها، با استفاده از کالاهای واسطه ای و سرمایه ای داخلی به فعالیت خود ادامه دهند. این امتیازی است که صنایع بزرگ به ندرت می توانند از آن بهره مند گردند.

د) صنایع کوچک و متوسط از انعطاف پذیری بالایی برخوردارند: این کسب و کارها قادرند تا خود را با شرایط مختلف مطابقت داده و سازوکارهای لازم را جهت ادامه فعالیت خود فراهم نمایند. این ویژگی موجب می گردد تا سیاست گذاران در اقدام به توسعه این کسب و کارها در مناطق مختلف کشور، برنامه دلخواه خود را طراحی و اجرا نمایند.

ه) صنایع کوچک و متوسط پرورش دهنده نیروهای مجرب و متخصص برای کسب و کارهای بزرگ به حساب می آیند: نیروهای مورد استفاده در کسب و کارهای کوچک و متوسط غالباً با سطوح پایینی از آموزش عالی همراه می باشند. همین امر هزینه آموزش نیروهای مورد نیاز برای این دسته از کسب و کارها را به نحو قابل ملاحظه ای کاهش می دهد. از طرف دیگر این دسته از نیروهای کار به کار گرفته شده در کسب و کارهای کوچک و متوسط پس از مدتی می توانند از تجربه مفیدی برخوردار شده، از آن در بخش کسب و کارهای بزرگ استفاده نمایند.

و) مدیریت و کنترل صنایع کوچک و متوسط هزینه کمتری در بردارد: عملیات در کسب و کارهای کوچک و متوسط در اندازه محدود انجام می گیرد که در نتیجه، هزینه کنترل و مدیریت آنها در مقایسه با کسب و کارهای بزرگ ناچیز و اندک می باشد.

ز) مکان یابی صنایع کوچک و متوسط به سهولت و به نفع سیاست های منطقه ای دولت قابل انجام است: کسب و کارهای کوچک و متوسط عمدتاً در شهرهای کوچک و خارج از مراکز عمده اقتصادی فعال می باشند که این امر علاوه بر تعدیل عدم توازن منطقه ای، انگیزه های مهاجرت به شهرهای بزرگ را تقلیل می دهد.

ک) توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط فاصله طبقاتی را در جامعه کاهش داده و نحوه توزیع درآمد را به نفع افراد کم درآمد بهبود می بخشد (انجمن ملی صنایع پلاستیک و پلیمر ایران).

۱-۲- تعریف بنگاه های کوچک و متوسط

تعریف صنایع کوچک و متوسط در میان کشورها و مناطق جهان بسیار متفاوت است. در حقیقت، شرایط اقتصادی و صنعتی حاکم بر هر کشور، معرف صنایع کوچک و متوسط آن است. برخی از معیارهایی که معمولاً در تعریف صنایع کوچک و متوسط

به کار می‌روند عبارت‌اند از: تعداد کارکنان، میزان سرمایه، حجم دارایی، کل حجم فروش و ظرفیت تولید. اما رایج‌ترین معیار برای تعریف صنایع کوچک و متوسط، معیار تعداد کارکنان است (هارکسور، ۱۹۹۶ و وایل، ۱۹۹۸). وجود حداقل ۲ مورد از ویژگی‌های زیر در مؤسسات کوچک و متوسط ضروری است:

O وحدت مالکیت و مدیریت.

O سرمایه و یا مالکیت توسط یک شخص یا یک گروه کوچک تهیه شده باشد.

O محیط کاری عموماً محلی باشد و کارکنان و مالکان در یک منطقه جغرافیایی نزدیک به هم زندگی کنند.

O اندازه نسبی فعالیت مورد نظر در درون صنعت مربوطه در مقایسه با بزرگترین واحد مشغول در صنعت کوچک باشد یا به

عبارتی از متوسط اندازه نسبی آن صنعت کوچکتر باشد (سایمون و همکاران، ۱۹۹۸).

در ایران، براساس تعریف وزارت صنایع و معادن و وزارت جهاد کشاورزی، بنگاه‌های کوچک و متوسط، واحدهای صنعتی و خدماتی (شهری و روستایی) هستند که کمتر از ۵۰ نفر کارگر دارند. مرکز آمار ایران کسب‌وکارهای کمتر از ۱۰۰ نفر نیروی کار را بنگاه‌های کوچک و متوسط محسوب می‌کند و سایر کسب‌وکارها را «کارخانجات صنعتی بزرگ» قلمداد می‌کند. وزارت تعاون نیز بر حسب مورد، تعاریف وزارت صنایع و معادن و مرکز آمار ایران را درباره این صنایع به کار می‌برد. بانک مرکزی ایران نیز کسب‌وکارهای زیر ۱۰۰ نفر نیروی کار را به عنوان بنگاه‌های کوچک و متوسط تلقی می‌کند.

۲-۲- تاریخچه بنگاه‌های با اندازه کوچک و متوسط در ایران

در ایران برای اولین بار در بودجه سال ۱۳۱۱ به طور خاص به سرمایه‌گذاری و ایجاد واحدهای کوچک تولیدی توجه شد و در نتیجه آن، در دوره ۱۳۱۱-۱۳۲۰ در اثر تشویق به سرمایه‌گذاری صنعتی، تعداد کارگاه‌های تولیدی کشور به ۱۰ هزار واحد تولیدی و سطح اشتغال این کارگاه‌ها به ۱۰۰ هزار نفر بالغ گشت صحرائیان (۱۳۸۰). اما مقوله صنایع کوچک به طور مشخص از سال ۱۳۴۳ در ایران به صورت مباحث تئوریک مطرح گشت و در این سال دولت با همکاری سازمان ملل، اقدام به تأسیس سازمان نواحی صنعتی نمود که در سال ۱۳۴۷ در چهارچوب برنامه چهارم عمرانی، به سازمان صنایع کوچک و نواحی صنعتی ایران تغییر نام داد. اولین وظیفه این سازمان، شناسایی و طبقه‌بندی واحدهای کوچک صنعتی و تعیین یک تعریف جامع برای صنایع کوچک بود صحرائیان (۱۳۸۰). در طول برنامه چهارم عمرانی ۱۳۴۷-۱۳۵۱، تحت حمایت‌های مالی صندوق ضمانت صنعتی که مخصوص صنایع کوچک تأسیس شده بود، کارگاه‌های کوچک تولیدی بسیاری در سراسر کشور احداث شدند. هر چند این رشد کمی، اثرات بسیار زیادی بر اقتصاد ملی بر جای گذاشت، اما بی توجه بودن به رشد کیفی تولیدات و تکمیل حلقه‌های مفقوده در زنجیره تولیدات صنعتی، از کاستی‌های این امر بود.

در سال ۱۳۵۲، با شروع برنامه پنجم عمرانی، بنا به پیشنهاد وزارت صنایع، امور صنایع کوچک از نواحی صنعتی جدا شد و سازمان صنایع کوچک، وابسته به وزارت صنایع و معادن تأسیس گردید. پس از پیروزی انقلاب و تقسیم وزارت صنایع و معادن به وزارت صنایع، وزارت صنایع سنگین و وزارت معادن و فلزات، سازمان صنایع کوچک به وزارت صنایع منتقل شد و پس از مدتی منحل گردید و امور مربوط به صنایع کوچک در بین وزارتخانه‌های مختلف تقسیم گشت. در سال ۱۳۶۲ و با تصویب تأسیس شهرک‌های صنعتی ایران، امور مربوط به صنایع کوچک به سازمان شهرک‌های صنعتی ایران واگذار گردید و مقرر شد کارگاه‌های کوچک تولیدی در شهرک‌های صنعتی، سازمان‌دهی شوند. اما از آنجا که تعدد مراکز سیاست‌گذاری در امر صنایع کوچک، کار آیی شهرک‌های صنعتی را بسیار محدود نموده بود، دولت در سال ۱۳۶۴ امور مربوط به صنایع کوچک را به

وزارتخانه‌های صنایع و جهادسازندگی واگذار نمود و وظایف آن‌ها را از یکدیگر تفکیک نمود. بر اساس آیین‌نامه هماهنگی و تفکیک وظایف، کلیه واحدهای صنعتی کوچک، اعم از صنایع تبدیلی کشاورزی و یا واحدهای صنعتی تکنولوژیک، نظیر صنایع الکترونیک و قطعه‌سازی که در روستاها تأسیس می‌شدند، به وزارت جهاد سازندگی محول شدند. مشکلاتی که در نتیجه عدم تمرکز حوزه ستادی صنایع کوچک به وجود آمده بود مانند سیاست‌گذاری‌های نادرست، تخصیص نامطلوب امکانات مالی، تصمیم‌گیری‌های موازی و تعدد وزارتخانه‌های متولی، باعث شد پیشنهاد تشکیل یک سازمان حمایتی برای توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط توسط دولت پذیرفته شود. این سازمان با عنوان «سازمان صنایع کوچک» از طرف وزارت صنایع و معادن در سال ۱۳۷۹ تشکیل شد. بر اساس ماده ۱ اساسنامه آن، وظیفه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مربوط به امور صنایع کوچک، چه در مناطق روستایی و چه در مناطق شهری، به این سازمان واگذار گردید. این سازمان تا سال ۱۳۸۴ به کار خود ادامه داد و در سال ۱۳۸۴ با سازمان شهرک‌های صنعتی ادغام شد و به سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران تغییر نام داد. طبق مصوبه شورای عالی اداری، وظایف مربوط به سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات مربوط به حمایت‌های لازم از صنایع کوچک به وزارت صنایع منتقل گردید و وظایف و فعالیت‌های اجرایی حمایتی به این سازمان سپرده شد. هم‌اکنون این سازمان، یک شرکت مادر تخصصی است که بخش زیادی از هزینه‌های خود را از محل حقوق انتفاعی ناشی از واگذاری زمین و امکانات زیربنایی به واحدهای صنعتی کوچک و بزرگ تأمین می‌کند. اهم وظایف سازمان به موجب اساسنامه‌های آن عبارت‌اند از:

تهیه و تدوین خط‌مشی‌های اجرایی، ایجاد و توسعه صنایع کوچک در چهارچوب سیاست‌های کلی وزارت صنایع و معادن؛ ایجاد زمینه‌های لازم برای راه‌اندازی، هدایت و توسعه سرمایه‌گذاری‌های بخش غیردولتی در صنایع کوچک به ویژه مناطق کمتر توسعه یافته؛

ساماندهی و پشتیبانی از توسعه کارآفرینی، تأمین منابع مالی، توسعه فناوری، بهبود در روش‌های تولید، کاهش ضایعات و ارتقای بهره‌وری و کیفیت؛

ساماندهی ایجاد پیوند مناسب بین صنایع کوچک و متوسط و بزرگ و پشتیبانی از آن‌ها؛

توسعه شبکه‌ها، خوشه‌های صنعتی، مراکز اطلاع‌رسانی و تجارت الکترونیک؛

حمایت و پشتیبانی از تحقیقات کاربردی، توسعه‌ای و ارتقای سطح فناوری در واحدهای کوچک صنعتی؛

سازمان‌دهی احداث شهرک‌های صنعتی و ارائه خدمات ضروری برای متقاضیان ایجاد کننده واحدهای تولیدی و خدماتی توسط شرکت‌های زیرمجموعه

شرکت شهرک‌های صنعتی استان چهارمحال و بختیاری از شرکتهای تابعه سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران بوده و محل کنونی آن در شهرک صنعتی شهرستان شهرکرد می‌باشد. شرکت مذکور دارای ۱۸ شهرک صنعتی و ۶ ناحیه صنعتی (۲ ناحیه توسط شرکت شهرک‌های صنعتی استان ایجاد گردیده و ۴ ناحیه از نواحی انتقالی از سازمان جهاد کشاورزی به شرکت شهرک‌ها می‌باشند) است.

جدول ذیل نیز نشان دهنده میزان مخارج انجام شده از محل اعتبارات منابع داخلی (آماده سازی زمین‌های شهرک‌ها، تأسیسات عمومی در جریان ساخت، واحدهای کارگاهی و خدماتی در جریان ساخت، تأسیسات زیربنایی در جریان ساخت، سایر تأسیسات در جریان ساخت و ...) و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (تأسیسات آبرسانی، تأسیسات تصفیه‌خانه، تأسیسات عمومی و حق‌الامتيازها و ...) شرکت شهرک‌های صنعتی استان جهت شهرک‌ها و نواحی صنعتی (از زمان ایجاد شهرک‌ها و نواحی صنعتی تا ۱۳۹۷/۰۳/۲۵) به صورت تجمیعی می‌باشد.

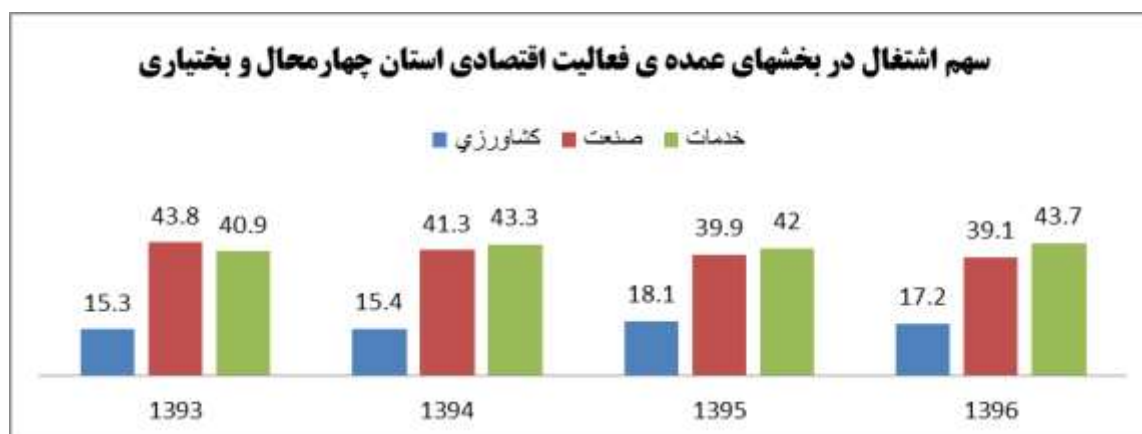
جدول شماره (۱): میزان اعتبارات مصرف شده از محل منابع داخلی و تملک دارایی های سرمایه ای جهت ایجاد شهرک ها و نواحی صنعتی

ردیف	شرح (شهرک / ناحیه)	اعتبارات منابع داخلی مبلغ (میلیون ریال)	میزان درصد به کل اعتبارات	اعتبارات تملک دارایی های سرمایه - ای مبلغ (میلیون ریال)	میزان درصد به کل اعتبارات
۱	شهرک صنعتی شهرکرد	۱۹۳۹۸۶	۳۱	۶۸۳۸۸	۳۳
۲	شهرک صنعتی بروجن	۶۵۲۷۷	۱۱	۲۳۳۸۱	۱۱
۳	شهرک صنعتی جونقان	۱۴۰۶۲	۲	۱۱۸۲۲	۶
۴	شهرک صنعتی لردگان	۱۱۵۸۱	۲	۹۸۴۵	۵
۵	شهرک صنعتی سفیددشت	۷۰۱۸۹	۱۲	۱۴۸۷۵	۷
۶	شهرک صنعتی سامان ۱ و ۲	۴۹۳۶۱	۸	۱۲۳۸۷	۶
۸	شهرک صنعتی هفشجان	۱۸۴۹۷	۳	۶۴۰۵	۳
۹	شهرک صنعتی بلداجی	۳۰۲۶۰	۵	۳۰۵۴	۲
۱۰	شهرک صنعتی فرخ شهر	۲۳۳۰۹	۴	۵۰۱۶	۳
۱۱	شهرک صنعتی فرادنبه	۱۰۳۸۹	۲	۴۲۵۰	۲
۱۲	شهرک صنعتی تشنیز	۱۵۱۷۱	۳	۶۷۱۶	۳
۱۳	شهرک صنعتی دستگرد	۵۳۴۴	۱	۳۶۸۳	۲
۱۴	شهرک صنعتی ناغان	۹	۰	۸۰	۰
۱۵	شهرک صنعتی بن	۱۱۴۴۹	۲	۷۴۲۲	۴
۱۶	شهرک صنعتی کوه رنگ	۴۷۶۰۳	۸	۱۴۵۵۲	۷
۱۷	ناحیه صنعتی وردنجان	۵۴۵۵	۱	۱۴۰۶	۱
۱۸	ناحیه صنعتی گندمان	۱۲۸۰۸	۲	۴۲۲۵	۲
۱۹	ناحیه صنعتی شوراب صغیر	۳۱	۰	۰	۰
۲۰	شهرک صنعتی دشت زرین	۴۵۳۱	۱	۶۷۹	۰
۲۱	ناحیه صنعتی آب لردگان	۱۷۹۹	۰	۵۸۴۲	۳
۲۲	سایر	۱۳۸۱۴	۲	۴۱۸	۰
	جمع	۶۰۴۹۲۵	۱۰۰	۲۰۴۴۴۶	۱۰۰

۱- بررسی میزان اشتغال و وضعیت صنایع فعال و غیرفعال مستقر در شهرک های صنعتی استان چهارمحال و بختیاری

به طور کلی اشتغال و شاخص های مربوط به آن مبین کیفیت اقتصادی جمعیت است. چنانچه بسیاری از اندیشمندان توسعه و علوم اقتصادی، شاخص اشتغال را نبض قابل سنجش میزان سلامت و رکود و فلاکت اقتصادی جامعه قلمداد می کنند و از این دیدگاه، با بیکاری، رکود، تورم و فقر، به یکدیگر پیوسته اند و تأثیر چرخان و متقابل آن ها می تواند، اقتصاد ملی را به سقوط مطلق سوق دهد (محمدی، ۱۳۷۵). از طرفی، مطالعه جمعیت شاغل در بخش های سه گانه اقتصاد نیز اهمیت زیادی دارد و با شناسایی سهم هریک از این بخش ها در هر منطقه می توان به وضع اقتصاد آن پی برد و همچنین برنامه لازم را برای آینده اقتصادی آن منطقه طرح نمود. بررسی نرخ بیکاری در استان چهارمحال و بختیاری تا پایان خرداد ۱۳۹۷ بیانگر بالاترین نرخ بیکاری در کشور با نرخ ۲۲/۸ درصد می باشد؛ همچنین مطابق نمودار ذیل بررسی اشتغال در بخش های عمده فعالیت اقتصادی در استان تا پایان سال ۱۳۹۶ نشان می دهد که بخش خدمات با ۴۳/۷ درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. در مراتب بعدی، بخش های صنعت با ۳۹/۱ و کشاورزی با ۱۷/۲ درصد قرار دارند.

عدم توجه به پتانسیل ها و قابلیت های استان و به موازات آن عدم برنامه ریزی های مناسب و مطابق با شرایط اکولوژیکی خاص منطقه، سبب خواهد شد در دهه آینده شاهد رشد بیشتر بخش خدمات در سطح استان باشیم لیکن رشد بیش از اندازه یک بخش به ویژه بخش خدمات و در کنار آن پایین بودن میزان رشد سایر بخش ها در مقایسه با بخش خدمات نمی تواند بازده اقتصادی و به دنبال آن رشد و توسعه اقتصادی برای استان داشته باشد (غفاری و همکاران، ۱۳۹۰)؛ کما که روند نزولی اشتغال در بخش صنعت نیز خود مؤید این موضوع است.



جدول ذیل تعداد و میزان اشتغال واحدهای صنعتی مستقر در شرکت ها و نواحی صنعتی استان تا پایان خرداد ۱۳۹۷ را نشان می دهد:

جدول شماره (۲): واحدهای صنعتی مستقر در شرکت ها و نواحی صنعتی استان

جمع کل	غیر بهره بردار	بهره بردار			واحدهای صنعتی مستقر در شرکت های صنعتی استان
		جمع	غیر فعال	فعال	

۱۷۷۸	۹۳۹	۸۳۹	۲۳۰	۶۰۹	تعداد	واحد
%۱۰۰	%۵۳	%۴۷	%۱۳	%۳۴	درصد	
۲۴۵۶۶	۱۱۱۵۶	۱۳۴۱۰	۴۳۵۱	۹۰۵۹	تعداد	اشتغال
%۱۰۰	%۴۵	%۵۵	%۱۸	%۳۷	درصد	

بررسی جدول فوق نشان می‌دهد از مجموع ۱۷۷۸ واحد صنعتی مستقر در ۲۳ شهرک و ناحیه صنعتی استان تنها ۸۳۹ واحد به بهره‌برداری رسیده‌اند که از این تعداد نیز ۶۰۹ واحد فعال هستند که تنها ۳۷٪ از اشتغال پیش‌بینی شده در کل واحدهای صنعتی محقق شده است و مابقی فرصت‌های تولید و اشتغال همچنان بلااستفاده مانده است.

با توجه به مطالب بیان شده و مذاقه در جداول شماره ۱ و ۲، میزان مخارج انجام شده توسط دولت جهت آماده سازی زمین و امکانات در شهرکها و نواحی صنعتی استان، اهداف توسعه ای صنعت، اشتغال و تولید محقق نگردیده و مسئولین استانی در جذب سرمایه گذار و بهره برداری موفق در شهرکهای صنعتی ایجاد شده، موفقیت چندانی نداشته اند و بیش از ۶۰٪ از ظرفیت شهرکهای صنعتی بلااستفاده باقی مانده است. این میزان ظرفیت بلااستفاده با توجه به نرخ بالای بیکاری در استان، مستلزم ردیابی و مشخص نمودن دلایل عدم موفقیت واحدهای صنعتی استان است.

۳- موانع سرمایه‌گذاری در شهرک‌های صنعتی استان چهارمحال و بختیاری

- ✓ عدم حمایت و پشتیبانی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از متقاضیان ایجاد صنایع در شهرک‌ها و مشکلات مربوط به ارائه ضمانت‌نامه‌های بانکی
- ✓ عدم حمایت و مساعدت دولت از صنایع موجود در شهرک‌ها
- ✓ نرخ بالای سود تسهیلات بانکی و مؤسسات اعتباری
- ✓ سیاست‌های کلان اقتصادی و روابط حاکم بر کشورها
- ✓ تغییرات نرخ ارز و نوسانات بازار ارز
- ✓ انواع عوارض و مالیات‌ها

۴- علل غیرفعال شدن صنایع موجود در شهرک‌های صنعتی استان چهارمحال و بختیاری

- ✓ فشار مالیاتی چند سال اخیر
- ✓ کمبود نقدینگی و نبود سرمایه در گردش
- ✓ افزایش نرخ دلار، بی‌ثباتی قیمت ارز و نوسانات غیرقابل پیش‌بینی بازار ارز
- ✓ مشکلات بانکی مانند معوق شدن تسهیلات و تملیک واحدهای صنعتی توسط بانک به علت عدم پرداخت به موقع تعهدات و بالا بودن نرخ بهره تسهیلات
- ✓ فرسودگی ماشین‌آلات خط تولید (صنایعی که دارای ماشین‌آلات جدیدتر هستند بهای تمام شده کمتر و کیفیت محصول بالاتری دارند)
- ✓ مشکلات مهارتی مدیریت و نیروی انسانی
- ✓ مشکلات و ناهماهنگی‌های بین واحدهای صنعتی و ادارات ذیربط از جمله اداره کل امور مالیاتی، بیمه تأمین اجتماعی، امور کارگری و ...

- ✓ نبود بازار فروش و ضعف بازاریابی و کمبود حمایت دولت در این زمینه
- ✓ واردات محصولات تولید داخل از کشورهای همسایه
- ✓ مبهم بودن برخی از قوانین و مقررات بازرگانی و تجاری
- ✓ بالا بودن هزینه های تولید در شرکت ها
- ✓ مجهز نبودن آزمایشگاه ها به ابزارهای کنترل کیفیت مطابق با استانداردهای جهانی
- ✓ آشنایی کم واحدهای صنعتی با عوامل آمیخته بازاریابی و جدی نگرفتن تحقیقات بازاریابی
- ✓ عدم اصلاح ساختارهای طراحی و تولید بر اساس جلب رضایت مشتریان داخلی و خارجی و بازارهای هدف
- ✓ کافی نبودن تسهیلات و حمایت های مالی و غیرمالی به عمل آمده از بنگاه های کوچک و متوسط

۵- جمع بندی و نتیجه گیری

به طور کلی اشتغال و شاخص های مربوط به آن مبین کیفیت اقتصادی جمعیت است. چنانچه بسیاری از اندیشمندان توسعه و علوم اقتصادی، شاخص اشتغال را نبض قابل سنجش میزان سلامت و رکود و فلاکت اقتصادی جامعه قلمداد می کنند و از این دیدگاه، با بیکاری، رکود، تورم و فقر، به یکدیگر پیوسته اند و تأثیر چرخان و متقابل آن ها می تواند، اقتصاد ملی را به سقوط مطلق سوق دهد. (محمدی و همکاران، ۱۳۷۵). گروه قابل توجهی از محققان بر این باورند که حل مشکل بیکاری، فقر، عدم توازن منطقه ای و دستیابی به توسعه صنعتی در کشورهای جهان سوم در گرو توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط در این کشورها می باشد. بنگاه های با اندازه کوچک و متوسط با توجه به قدرت بالای اشتغال زایی، اثر مثبت در توزیع درآمد، فراهم نمودن ارتباط مؤثر و سازنده بین بخش های مختلف تولیدی، انعطاف پذیری فزاینده آن ها و غیره، نقش مهم و ارزنده ای در اقتصادهای ملی ایفا می نمایند. ویژگی های بارز مؤسسات کوچک و متوسط نسبت به مؤسسات بزرگ عبارتند از:

- کمک به رشد اشتغال و کاهش نرخ بیکاری؛
 - تأثیر مثبت این گونه صنایع در توزیع درآمد؛
 - ایجاد ارتباط بین تولیدات بخش کشاورزی و صنعتی؛
 - انعطاف پذیری و تنوع بخشیدن به تولیدات کشور؛
 - کمک به انباشت سرمایه ملی، به علت اتکا به آورده ها و سرمایه های شخصی.
 - نیاز اندک به سرمایه گذاری در شبکه راه و ترابری و وابستگی به مواد اولیه موجود در کشور و عدم نیاز به سرمایه گذاری دولتی و هزینه زیاد برای زیرساخت ها در مراحل اولیه توسعه؛
 - ایجاد زمینه مناسب برای آموزش عملی بازاریابی افراد شاغل در صنعت از نظر فنی، مدیریت و دانش فنی؛
 - نقش قابل ملاحظه در نوآوری؛
- چون مهمترین مشکلی که کشور، و بلاخص استان چهارمحال و بختیاری با آن روبرو است، افزایش نرخ بیکاری است و از سوی دیگر یکی از مزیت های اساسی صنایع کوچک و متوسط توانایی آن ها در اشتغال زایی، به دلیل نیاز کم این صنایع به سرمایه گذاری های کلان و نیروی متخصص می باشد، به نظر می رسد سرمایه گذاری در این نوع بنگاه ها یکی از راه حل های کاهش معضل بیکاری باشد. مشکلات نقدینگی، عدم انعطاف پذیری قوانین کار، قوانین دست و پا گیر اداری، جرائم دیرکرد

بانکی، بیمه‌ای و بانکی، بیمه‌ای و مالیاتی، کشش‌ناپذیری بازار فروش داخلی، عدم دسترسی به بازار تجارت جهانی و فقدان شرکت‌های مادر تخصصی، مرگ و میر واحدهای صنعتی و صدها هزار فرصت شغلی را در استان به دنبال داشته است؛ حمایت دولت در جهت حل مشکلات مذکور و کمک به راه‌اندازی و بهره‌برداری از صنایع غیرفعال استان و توسعه کسب و کارهای جدید زمینه فراهم ساختن اشتغال بیشتر و رهایی از نرخ بالای بیکاری در استان را فراهم می‌کند.

۶- پیشنهادات برای توسعه صنایع کوچک و متوسط در استان چهارمحال و بختیاری

- برگزاری دوره‌های مرتبط با مشکلات صنایع ازجمله دوره‌های بازاریابی و فروش محصولات، دوره‌های مرتبط با مالیات و امور مالیاتی، دوره‌های برندسازی و ...
- بازاریابی برای صنایع از طریق برگزاری تور، هیأت تجاری، کنسرسیوم و نمایشگاه‌های داخلی و خارجی
- تشویق مردم به استفاده از کالاهای تولید داخل از طریق صدا و سیما
- اعطای تخفیفات، مشوقات و ... به متقاضیان واحدهای صنعتی
- هزینه‌کرد درست و صحیح اعتبارات در جهت بالا بردن کیفیت شهرک‌ها و زیرساخت‌های مربوط
- توجه به این نکته که صنعت صرفاً به تسهیلات بانکی نیازمند نیست؛ افزایش بهره‌وری، آسیب‌شناسی مسیر طی شده و برنامه‌ریزی برای تحقق اهداف آینده از دیگر نیازهای امروز این بخش است.

منابع:

- سایت انجمن ملی صنایع پلاستیک و پلیمر ایران <http://inpia.ir/shownews/5100>
- صحراییان، سید مهدی. (۱۳۸۰). اقتصاد ایران، ساما ندهی صنایع کوچک. تهران: انتشارات معارف.
- غفاری، سیدرامین؛ رجائی ریزی، محمدعلی؛ دوستی ایرانی، لیلا و اسماعیل نصیری هند خاله (۱۳۹۰). "تحلیل مکانی- فضایی ساختار اقتصادی اشتغال در استان چهارمحال و بختیاری". فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، سال ۹، صص، ۲۷۷-۳۰۶.
- محمدی، اسماعیل و نمکی، محمد (۱۳۷۵)، "فرضیه‌های ایجاد شغل و نقش آنها در توسعه روستایی "سازماندهی روستاهای پراکنده، همدان، بنیاد مسکن اسلامی انقلاب.
- Datta, B., (۱۹۵۲), The Economics of Industrialization, World Press, Calcutta. David, P.
- (۱۹۸۵), "Clio and the economics of QWERTY ", American Economic Review, vol. ۷۵, ۲.
- Harkserver, C. (۱۹۹۶). Total Quality Management in the Small Business Environment.
- Business Horizons*, ۳۹(۲), ۳۳-۴۰.
- Kaldor, N., Causes of the Slow Rate of Growth of the United Kingdom, Cambridge University Press, ۱۹۶۶.
- Simon., Bridge Neill, Ken & Cromie, Stan. (۱۹۹۸). *Understanding Enterprise, Entrepreneurship and Small Business*. New York: Macmillam Press LTD.
- Wiele, T.V. and Brown, A. (۱۹۹۸). Venturing Down the TQM Path for SMEs. *Total Quality Management*, ۱۶(۲), ۵۰-۶۸.